

# برجام بی سرانجام

## همچنان گرفتار در ظلمات دام‌چاله نبود راهبرد در دیپلماسی خارجی



منصور انصاری

روزنامه‌نگار

گرچه بسیاری، چه از میان مسئولان رده‌بالای دولت گذشته، چه صاحب‌نظران دوران‌دیش سیاسی غیروولتی و حتی برخی مسئولان دولت کنونی، البته با مززمه می‌گویند که برجام، چه خوب و چه بد، در سایه دیپلماسی «نه جنگ، نه صلح» با آمریکا و تعامل با کشورهای غربی به همراهی دو کشور چین و روسیه نه‌چندان هم‌منظر با کشور ما بلکه به‌مثابه کاتالیزور، به پای امضای تاریخی رسیده بود اما به سرانجام نرسید، ولی کمتر کسی با صراحت و روشنی می‌گوید که چرا سرانجامی نداشت و چه کسانی، به چه دلیل، منبعت از چه نوع نگرشی و با چه اهداف سیاسی خواه جناحی و چه غیر آن، مانع به نتیجه رسیدن برجام پس از چندین سال مذاکره دشوار و پرهزینه و صرف وقت و منابع شدند؟

آنچه به آخرین مرحله رسیده بود ولی نشد، منافع سیاسی و اقتصادی کدام جناح سیاسی را تأمین کرد؟ چقدر این منافع واقعی و چقدر خوش‌خیالانه بود؟ آیا جویندگان منافع اقتصادی در فضای به‌وجودآمده توانستند کاسبیی پوررفنی حتی به زیان منافع ملی برای خود دست‌وپا کنند؟ و فراتر از همه اینها، اینکه اعلام کردیم نمی‌خواهیم برجام و امضای این توافق‌نامه را به زندگی و معیشت مردم کره بزیم و سراسرازانه آن را از موضع قدرت پیش می‌بریم، نتیجه مثبتی برای زندگی و آرامش مردم در پی داشت؟ آیا شرایط بهتر و موقعیت برتری را برای دستیابی به این توافق فراهم کرد؟ آیا جداسازی معیشت مردم از برجام، عاملی برای اقتدار بیشتر کشور ایجاد کرد؟ آیا اتفاقات جاری در فضای کنونی تقابل‌جویی، ازجمله مبادله گروگان‌ها و در عین حال دستیابی به مبلغی نه‌چندان قابل توجه از مجموعه دارایی‌های ارزی مسدودشده‌کشور در میان فضایی دوگانه و تردیدآمیز، با شرایط گذشته امضای برجام و نتایج گسترده حاصل از آن قابل مقایسه است؟ آیا اصولا برجام با ویژگی اجماع جهانی و اهمیت فوق‌العاده حضور مداوم پنج به علاوه یک در نشست‌ها، (پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل شامل ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا و فرانسه به علاوه آلمان) برای ایران از نظر عملی و اجرایی قابل ایحاست؟

حال در وضعیت کنونی، اگر این پروتکل جهانی به توافق فقط دو کشور ایران و آمریکا تقلیل یابد، انگلستان و اروپا به سادگی با چین و روسیه، آن‌هم در شرایط مخصمه‌آمیز جنگ اوکراین، چارچوب

## قانون، دروازه بهشت

به این دلیل ساده که تمام ویژگی‌های رؤیایی و مطلوب بهشت که هزاران سال وعده آنها به انسان داده شده است در «مدینت توسعه‌یافته» در برخی کشورها مبتنی بر حاکمیت قانون، به شکل ملموس و عینی، اگرچه نسبی، محقق شده است. اگر باور داشته باشیم که فلسفه وجودی حکومت‌ها ایجاد آرامش، رفاه، آسایش، نشاط، امید و امنیت برای شهروندان تحت حمایت خود است، آنگاه می‌توان بنا بر شواهد و تجربیات عینی، معاصر و حتی تاریخی ادعا کنیم که «حکمرانی مبتنی بر قوانین برآمده از خرد، اراده و منافع جمعی (ملی) و نه برخی اراده‌های گروهی یا یک اقلیت، دروازه بهشت است.» از آنجا که قوانین اجتماعی برابند خرد جمعی هستند، بنابراین مقبولیت، مشروعیت و کاربرد قوانین، منسوط به پذیرش قوانین توسط همه شهروندان است. به عبارتی فلسفه و ذات قوانین اجتماعی (قانون اساسی) جمعی، به معنای محصول مشترک همه

### ادامه از صفحه اول

روایایی و مطلوب بهشت است؛ چراکه «در جهانی که قانون و نه اراده‌ها، حاکم نباشد، هیچ موجودی» اقتدار و امنیت نخواهد داشت». در جهان خرد، دانش و فناوری‌بنیاد معاصر، برخلاف قرون پیشین، «ذات قوانین اجتماعی، جمعی و نه جناحی است»؛ بنابراین «بومی‌سازی حاکمیت قانون (قانون اساسی ملی) تنها راهکار برون‌رفت از مخصمه ناکارآمدی مدیریت کلان است». به دو دلیل قوانین اجتماعی (قانون اساسی) نمی‌توانند ریشه در تاریخ (اندیشه‌ها و وقایع قرون پیشین) یا آینده (رؤیاه‌ا، آرزوها یا توهمات) باشند: ۱- قوانین اجتماعی قرار است انواع و انبوه مشکلات انسان‌ها (شهروندان) موجود، واقعی و زنده را حل‌وفصل کنند یا اهداف، خواسته‌ها، آرزوها و… شهروندان یک جامعه زنده و عینی را محقق کند. ۲- به همین دلیل قوانین برابند درک، تشخیص و تحلیل امور عینی، ملموس و قابل ارزیابی موجود در یک زمان، مکان

### جدول ۴۵۸۰ طرح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- ناسازگاری- اسامی خاص- مغز سر ۲- طرز و شیوه- فرصت پرداختن به امور دلخواه و رفتنی- علاج‌کردن ۳- کلمه‌ای پرششی - انگشت اشاره- قوم مغول ۴- در تداول عامه به معنی فرسوده است- استواری در اندیشه و اراده- لیز و چسبناک ۵- نوعی ماشین چاپ خودکار- قدرت و نیرو ۶- واحدی برای وزن معادل ۷۰۷ گرم- به دیدار بیمار رقتن- مقاوم‌ترین ماهیچه بدن ۷- مخزن سوخت خودرو- وقار و سنگینی- عددی دورقمی ۸- درخت خرما- پیش‌غذا- از ارزش دیجیتا ۹- گشادشدن- منطقه خوش‌آب‌وهوای تابستانی- تله ۱۰- ماهمه- حیوه- دوتا نون ۱۱- از فرقه‌های مسیحیت- تاخیر ۱۲- وسط، میان- میزان مجاز زیربنا ساختمانی - از جنس چوب ۱۳- بر مرکب نشسته- سوره صدمودم قرآن- تالپوی نقاشی معروف گوستاو کلیمت، نقاش اتریشی ۱۴- کامیون حمل مایعات- نوعی اسلحه کمری- امر به آمدن ۱۵- گرداگرد دهن- طب سنتی چینی- خدای خدایان یونان باستان

**عمودی:**

۱- کانون- پایه و اساس- حامله ۲- معادل فارسی واژه فرانسیز- ساقه خوراکی ترش و شیرین ۳- چیزی را با دست و انگشت نشان‌دادن- گروهی از جانوران بی‌مهره دریایی ۴- کالا- نوزاد حشره- سینمای به آتش کشیده‌شده آبدان ۵- تکرار حرفی- پدرمرده- آنچه بر اثر تکرار، رفتار همیشگی انسان می‌شود- چهره ۶- برادر مرگ است- انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی- مخفیانه ۷- حفظ حیثیت- مکنده ۸- شروع-

اعضای جامعه و نه یک گروه یا جناح کوچک است.

حاکمیت قانون، دروازه بهشت است؛ چراکه «در جهانی که قانون و نه اراده‌ها، حاکم نباشد، هیچ موجودی» اقتدار و امنیت نخواهد داشت». در جهان خرد، دانش و فناوری‌بنیاد معاصر، برخلاف قرون پیشین، «ذات قوانین اجتماعی، جمعی و نه جناحی است»؛ بنابراین «بومی‌سازی حاکمیت قانون (قانون اساسی ملی) تنها راهکار برون‌رفت از مخصمه ناکارآمدی مدیریت کلان است».

به دو دلیل قوانین اجتماعی (قانون اساسی) نمی‌توانند ریشه در تاریخ (اندیشه‌ها و وقایع قرون پیشین) یا آینده (رؤیاه‌ا، آرزوها یا توهمات) باشند: ۱- قوانین اجتماعی قرار است انواع و انبوه مشکلات انسان‌ها (شهروندان) موجود، واقعی و زنده را حل‌وفصل کنند یا اهداف، خواسته‌ها، آرزوها و… شهروندان یک جامعه زنده و عینی را محقق کند. ۲- به همین دلیل قوانین برابند درک، تشخیص و تحلیل امور عینی، ملموس و قابل ارزیابی موجود در یک زمان، مکان

مجممه- اهل کاشان ۹- اماکن مقدس زیارتی- فرزندآوری ۱۰- تاکنون- تیرانداز- سرخاب ۱۱- اصل هر چیز- از ظروف آشپزخانه- رستنی چتری- نوعی حلوا ۱۲- زمان معین- آن که کتاب چاپ و منتشر می‌کند- با سرعت زیاد و بدون

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

و یک جامعه مشخص و نه انسان‌ها و امور متعلق به قرون پیشین یا قرون آینده هستند. به بیانی کاربردی، بستری تا تنها دلیل وجودی قوانین اجتماعی، منافع ملی (جمعی) است. بنابراین اگر «یکانه هدف» حکومت‌ها تحقق منافع ملی نباشد، این پرسش پیش می‌آید که کاربرد یا لزوم قوانین اجتماعی چیست؟ قوانین اجتماعی قرار است کدام اهداف یا اهداف چه کسانی را محقق کند؟ نجات ایران در گرو پرهیز از خشونت، دشمنی، منفعت‌طلبی و توسل به خرد جمعی مبتنی بر عشق به ایران است. خرد انسانی (جمعی) تنها ابزار کم‌هزینه برای حل‌وفصل انواع چالش‌هایی است که می‌تواند «کشور» را با مخاطرات غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل مواجه کند. تاریخ جوامع مملو از شواهد و تجربیات حاکی از سرنوشت سخت جوامعی است که نخبگان آنها قادر نبودند از خرد انسانی (جمعی) برای حل‌وفصل چالش‌های اجتماعی و ملی استفاده کنند.

### ادامه از صفحه اول

از مهم‌ترین نتایج سیطره محافظه‌کاری بر فضای علمی کمرمقی تضارب اندیشه به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی و سکوت بسیاری از منتقدان، به میدان آمدن ادعاهای بدون هرگونه پشتوانه علمی و گاه فرصت‌طلبانه است. در این چند سال، ادعاهای گزاف زیادی مانند دستگاه کرونیاب، طرح پایتون به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی تحولات آینده، ایجاد اشتغال با یک میلیون تومان، ساخت یک میلیون مسکن در سال، امکان تغذیه ۲۵۰ میلیون نفر با امکانات موجود کشور بدون بهبود روابط بین‌الملل، صد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری امرارات در کیش و… را شنیده‌ایم. ادبیات نظامی مانند فرارگاه وارد اصطلاحات سیاست‌گذاری‌ها شده است. حذف استادان دغدغه‌مند و دارای مسئولیت اجتماعی به رشد این نوع ادعاها کمک می‌کند. نقد آنان در عرصه اجتماعی موجب کاهش ادعاهای گزاف می‌شود. نتایج روشن اخراج استادان

## پیامدهای قطع همکاری با استادان دغدغه‌مند

منتقد ایفاگر مسئولیت اجتماعی، جذب افراد با صلاحیت پایین، رشد تملق، فرصت‌طلبی، ریا و دورویی و محافظه‌کاری بیش از پیش خواهد بود. این توجه لازم است که استادان فعلی نیز از فیلترهای سخت‌گیرانه‌ای گذر کرده بودند؛ بنابراین تضمینی برای خالص‌سازی استادان وجود ندارد. برخی از آتانی که امروز جذب می‌شوند، با افزایش دانش و عمق بیشتر علمی، منتقدان فردا خواهند شد. یکی از پیامدهای هزینه‌زایی برای استادان دغدغه‌مند، رشد نوشتارهای زرد به‌خصوص در فضای مجازی است. استادان با ورود به حوزه عمومی به ارتقای آگاهی عمومی و تعدیل فضا کمک می‌کردند، اما اکنون با هزینه‌های تحمیلی، این فضا افراطی‌تر خواهد شد. اخراج استادان آزاده دانشگاه ناشی از نگاه امنیتی به همه مسائل کشور، ندیدن افق بلندمدت و سیاست‌زدگی است. این رفتارها مانع از تعامل مثبت و انتقادی اصلاحی میان دانشگاه و حاکمیت شده است.

۵	۷	۹			
		۶	۴		۳
	۸		۱		
			۳		۹
۴	۳		۹		۷
		۱	۹		
				۵	۶
			۷	۳	
			۴		۱
					۷

### سودوکو سخت ۳۵۷۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود.
بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

### سودوکو ساده ۳۵۷۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.



عوام‌فریبان شعارزده حزب کمونیست گفته بود که ما راهنمای چپ را می‌زیم ولی به راست می‌پیچیم.

چینی‌ها پس از سال‌ها شعارزدگی به چند نکته در دیپلماسی جهانی خود پی بردند که با حرف‌ها و برخورد‌های واکنشی و احساساتی نمی‌توانند به قدرت، اقتدار و هژمونی در ژئواکونومیک‌های مهم دنیا دست یابند و خارج از سیاست‌های سخت‌گیرانه داخلی در مقابل مخالفان، راهبرد تعامل با جهان و بهره‌گیری مطلوب از مزایای آن را در دستور کار خود قرار دادند. حال شاهد هستیم دیپلماسی خارجی کشور ما در وجه غالب هنوز نتوانسته یا نخواسته خود را اصلاح کند و جهان را آن‌گونه که هست ببیند نه آن‌گونه که می‌خواهد و آرزو می‌کند.

شاید به نظر می‌رسد شیوه به‌کارگیری دیپلماسی مطابق آنچه بعضی مجریان سیاسی به آن باور دارند، برداشت سطحی از مکاتب موسوم به واقع‌گرایی سنتی و مدرن در روابط بین‌الملل است که دولت‌ها را بازیگران اصلی در سیاست بین‌الملل قلمداد می‌کنند و محیط یا فضای بین‌الملل را اساسا تأثیرشک، به معنای نبود یک اقتدار مرکزی برای هدایت دولت‌ها می‌دانند.

مکاتب واقع‌گرایی و اکثر فلاسفه و نظریه‌پردازان مرتبط به این مکاتب همچون «هابز» که بشتر را شرور و انسان را ارگ انسان می‌دانست، یا «ریمون آرون»، «شومان»، «رائنهوله نیبور»، «ای، اچ کار»، «آرنوله ولفرز»، «جورج کنان» و نهایتا و بیشتر از همه «هانس جسی مورگنتا» که هر کدام به نوعی انسان را ذاتا شرارت‌طلب، خودخواه و قدرت‌طلب توصیف می‌کنند، هیچ‌کدام در تحلیل نهایی، روابط بین‌الملل را به سطح روابط میان انسان‌ها و تقابل‌جویی آنان یا شخصیت فردی اداره‌کنندگان دولت‌ها و کشورها تقلیل نمی‌دهند و بعضا به‌صراحت و روشنی یا تلویحی، مبنای روابط بین‌الملل را منافع ملی و آرامش ملت‌ها می‌دانند.

به زبان ساده‌تر، نباید روابط بین‌الملل و مناسبات دیپلماتیک را آن‌قدر از قاعده کلی خارج کرد که واکنش‌های فردی آنی یا هیجانی و لحظه‌ای، جای برخورد‌های دیپلماتیک دوران‌دیشانه و راهبردی را بگیرد.

سرانجام بی‌فرجام برجام، گذشته از آنچه درباره منافع سیاسی و اقتصادی و دستیابی به قدرت بیشتر در میان جناح‌های سیاسی یا دولت‌ها، یعنی آنچه در ابتدای این نوشته آمده، از همین نوع نگرش ضربه کاری خورد و از میدان روابط دیپلماتیک راهبردی خارج شد، با گذشت زمان از دسترس دور و نهایتا به سطح نازل مناسباتی تردیدآمیز، دوگانه، غیر قابل اتکا و… تقلیل یافت.

نکته حائز اهمیت در این میان، بعضی برخورد‌های دیپلماتیک در گفتار‌ها، تویت‌ها و مصاحبه‌های برخی مسئولان سیاست خارجی و البته عمدتا کسانی است که خود را نمایندگان فکری جامعه صاحب‌منظر سیاسی می‌دانند و چه موقعیت یا سمت و مسئولیتشان با سیاست خارجی ارتباط داشته باشد و چه نداشته باشد، غیرمسئولانه و غالبا خودنمایانه در مورد مناسبات با کشورها و روابط جهانی، بعضا از طرف دولت یا ملت اظهارنظر می‌کنند؛ موضوعی که متأسفانه به علت «داخلت همه در همه چیز» عمومیت یافته است.

در نهایت باید گفت سرنوشت برجام در مخصمه نگرشی این‌چینی گرفتار آمده و به نظر می‌رسد راه دشواری برای برون‌رفت از این چنبره پیچیده پیش‌رو داریم تا شاید بتوان به این نکته پی برد که وضعیت ناسامان اقتصادی و بازرگانی و معیشت مردم لامحاله به تحریم‌ها و امتناع از امضای برجام کره خورده است. این موضوع وقتی حاد می‌شود که دراییم حال و هوای دیپلماسی جهان پیوسته در حال تغییر است و صف‌بندی‌قوا در پهنه جهانی هر آنه ویژگی‌های جدیدی پیدا می‌کند.